

نقش مدیریت نقدینگی بر سودآوری بانکها

علیرضا عرفانی (نویسنده مسئول)

استاد گروه اقتصاد دانشگاه سمنان

aerfani@semnan.ac.ir

محمد امین حیدری

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی از دانشگاه سمنان

maheidari@semnan.ac.ir

نوع مقاله: علمی- پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

چکیده

نظام بانکی به عنوان یکی از اثرگذارترین بخش‌های اقتصاد، با جمع‌آوری بخش قابل توجهی از نقدینگی موجود و هدایت آن به سمت بخش‌های مولد، موجب رونق و شکوفایی اقتصادی می‌شود. سودآوری بانک‌ها تابع مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی است که مدیریت نقدینگی مهم‌ترین آن‌ها است. بانک‌ها برای کسب سود، باید نقدینگی خود را به نحوی مدیریت نمایند که ضمن پاسخگویی به تعهدات خود از هدررفت فرصت‌های سرمایه‌گذاری جلوگیری نمایند. در این پژوهش با بررسی نماگرهای مؤثر بر مدیریت نقدینگی، شاخصی ترکیبی که معرف میزان مدیریت نقدینگی بانک است محاسبه و معرفی شد. سپس با استفاده از داده‌های سالانه ۱۶ بانک در دوره زمانی (۱۳۸۵-۱۳۹۹)، اثر مدیریت نقدینگی بر سودآوری بانک‌ها با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، آرانو-بوند دو مرحله‌ای بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد مدیریت نقدینگی بیش‌ترین تأثیر مثبت را بر سودآوری بانک‌ها دارد به طوری که در بانک‌های خصوصی و نیمه‌دولتی، شدت این اثرگذاری بیشتر از بانک‌های دولتی است.

طبقه‌بندی *JEL*: G21, E02, C38, C23.

کلید واژه‌ها: مدیریت نقدینگی، سودآوری، نظام بانکی، اقتصاد کلان، ایران

۱. مقدمه

امروزه نظام بانکی یکی از با اهمیت‌ترین بخش‌های اقتصاد محسوب می‌شود. بانک‌ها با سازماندهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل نموده و زمینه توسعه بازارها را فراهم می‌نمایند. به عبارت دیگر، بانک‌ها با تجهیز پس‌اندازهای ریز و درشت و هدایت آن‌ها به سمت بنگاه‌های تولیدی، زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم می‌آورند (فابوزی^۱ و دیگران، ۲۰۰۲). بانک‌ها در مسیر رسیدن به این اهداف، با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که ریسک نقدینگی^۲ از جمله بزرگ‌ترین آن چالش‌هاست (گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصادنویین، ۱۳۸۷). از این‌رو، بانک‌ها به‌منظور افزایش توان رقابت و ادامه حیات خود، سودآوری را به‌عنوان مهم‌ترین برنامه عملیاتی خود قرار داده‌اند. سودآوری بانک‌ها را می‌توان به‌عنوان یک پارامتر مهم در تجزیه و تحلیل عملکرد نظام بانکی و ابزاری برای سنجش و مقایسه نحوه مدیریت نقدینگی نظام بانکی در نظر گرفت. سودآوری بیشتر بانک‌ها نه تنها به بانک اجازه ایجاد وجوه برای اعطاء اعتبارات بیشتر را می‌دهد، بلکه سرمایه‌گذاری در محیط‌های پر ریسک را برای سیاست‌گذاران بانک‌ها آسان می‌نماید (مهربان‌پور و دیگران، ۱۳۹۶).

عوامل متعددی بر سودآوری بانک‌ها تأثیرگذار است، که مدیریت نقدینگی از جمله مهم‌ترین آن‌ها است. مدیریت نقدینگی حصول اطمینان از انجام کامل تعهدات قراردادی بنگاه‌ها و یا مؤسسات مالی است و به‌مفهوم توانایی بانک‌ها جهت مدیریت بهینه کاهش‌های سپرده‌ای و دیگر دیون در کنار مدیریت رشد پرتفوی وجوه وام^۳ و دیگر دارایی‌ها و نیز اقلام خارج از ترازنامه است (فرامرزی‌پارسا و صدری، ۱۳۹۵). بنابراین، رسیدن به سودآوری مطلوب نیازمند مدیریت اصولی دارایی^۴ و بدهی^۵ بانک است. بدین منظور، مدیریت بانک با کنترل هر یک از اجزاء دارایی و بدهی بانک بر اساس استانداردهای تعیین شده، باید نقدینگی موجود خود را به‌صورتی مدیریت نماید تا بتواند ضمن عمل به تعهدات

^۱. Fabozzi

^۲. Liquidity Risk

^۳. مدیریت پرتفوی وام، فرایند مستمر ارزیابی و بهره‌جویی از انواع فرصت‌های وام‌دهی در جهت کسب حداکثر بازدهی در چارچوب اهداف کلان مدیریت، همراه با پذیرش حداقل ریسک است (عسکرزاده، ۱۳۸۵).

^۴. Asset

^۵. Debt

خود و جلوگیری از هدر رفت فرصت‌های سرمایه‌گذاری، بانک را در مسیر سودآوری مطلوب قرار دهد.

نظام بانکی در ایران نقش مؤثری در بازار پولی و مالی کشور ایفا می‌کند؛ چنان‌که، بانک‌ها بخش قابل توجهی از نقدینگی کل کشور را دارا هستند. اکثر بانک‌ها با حبس منابع به شکل‌های مختلف از جمله مطالبات غیرجاری^۱ و دارایی‌هایی که قابلیت نقدشوندگی پایینی دارند روبه‌رو شده‌اند که، موجب ناتوانی بانک‌ها در زمینه اعطاء تسهیلات، کاهش سرمایه‌گذاری، سودآوری کم‌تر و در نتیجه در معرض ورشکستگی قرار گرفتن بسیاری از آن‌ها شده است. همچنین، با توجه به وضعیت اقتصادی ایران و وجود تحریم‌های اقتصادی و بانکی و عدم امکان تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بخش‌های خارجی، ضرورت استفاده بهینه از نقدینگی بانک‌ها محرز است. از این‌رو، بانک‌هایی موفق‌تر خواهند بود که با مدیریت بهینه نقدینگی خود، منابع را در بخش‌های مناسب سرمایه‌گذاری نمایند و بیش‌ترین استفاده را از منابع خود برای رسیدن به حداکثر سودآوری ممکن داشته باشند. بنابراین، با توجه به اهمیت نحوه مدیریت نقدینگی و کسب حداکثر سود در نظام بانکی، تبیین نقش و تأثیرگذاری این دو می‌تواند راه‌گشایی در جهت برنامه‌ریزی برای مدیریت بهینه دارایی و بدهی بانک‌ها و خروج از بحران موجود در وضعیت نقدینگی بانک‌ها و کسب سودآوری باشد.

در این پژوهش در راستای مطالعات پیشین و با هدف تکمیل کاستی‌های پژوهش‌های انجام شده و با تأکید بر تحلیل عملکرد مدیریت نقدینگی، به صورت جامع‌تر، نقش و میزان اثرگذاری مهم‌ترین عامل داخلی تأثیرگذار بر سودآوری، یعنی مدیریت نقدینگی با استفاده از اجزاء نقدینگی موجود در صورت‌های مالی تعداد ۱۶ بانک، به صورت مجزا با مورد بررسی قرار گرفته است. با این وصف، پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که کدام یک از متغیرها و عوامل، بیش‌ترین میزان تأثیرگذاری را بر روی سودآوری بانک طی دوره زمانی مورد بررسی دارند؟ همچنین آیا نوع مالکیت بانک بر رابطه مدیریت نقدینگی و سودآوری تأثیر می‌گذارد؟ از این‌رو به‌منظور پاسخ به پرسش‌های فوق، ضمن بررسی چگونگی رابطه و همچنین نقش و تأثیر مدیریت نقدینگی و سودآوری در بانک‌های خصوصی و غیرخصوصی در ایران، یک شاخص ترکیبی به‌نام مدیریت نقدینگی بر اساس مهم‌ترین نماگرهای موثر بر آن، طراحی و سپس تأثیر آن بر سودآوری بانک‌ها مورد ارزیابی

^۱ Non-current claims

قرار گرفته است. علاوه بر این، میزان این اثرگذاری با توجه به نوع مالکیت بانک هم تحلیل شده است.

در این مقاله، ابتدا مبانی نظری مدیریت نقدینگی و سودآوری در بانکها و پیشینه پژوهش شرح داده شده است و پس از آن ضمن تصریح مدل و داده‌های پژوهش، شاخص ترکیبی مدیریت نقدینگی (LiM) و نحوه محاسبه آن، معرفی و ارائه شده است. در نهایت با توجه به نتایج آزمون‌های تشخیصی، مدل‌های پژوهش برآورد شده و به تفسیر نتایج و نتیجه‌گیری پژوهش پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. نظریه‌های مدیریت نقدینگی

نظریه‌های مدیریت نقدینگی، با توجه به گسترش نقش نظام بانکی در اقتصاد کشورها، از قرن هجدهم میلادی تا به امروز، به‌طور پیوسته توسط نظریه‌پردازان و به‌خصوص اقتصاددانان، تغییر و تحول یافته است. سیر تکاملی و تاریخی نظریه‌های مطرح شده مدیریت نقدینگی در نظام بانکی شامل پنج مورد است:

۲-۱-۱. نظریه وام‌های تجاری^۱

تاریخچه این نظریه به قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی در انگلستان و اوایل قرن بیستم میلادی در آمریکا برمی‌گردد. این نظریه بیان می‌کند که منابع نقد حاصل از سپرده‌های جاری، باید در وام‌های کوتاه‌مدت به کار گرفته شوند. زیرا از قابلیت نقدشوندگی مناسبی برخوردار می‌باشند. طبق این نظریه بهترین نوع سرمایه‌گذاری این است که بانک‌ها صرفاً نسبت به سرمایه‌گذاری و اعطاء تسهیلات کوتاه‌مدت و با درجه نقدشوندگی بالا مبادرت ورزند، تا نقدینگی بانک از محل همین وام‌های سررسیده شده به‌صورت خودکار تأمین شود (ودورث^۲، ۱۹۶۷، روزاکیس^۳، ۱۹۹۷، کوچ و اسکات^۴، ۲۰۱۰).

۲-۱-۲. نظریه انتقال‌پذیری^۵

1. Commercial Loan Theory

2. Woodworth

3. Roussakis

4. Koch & Scott

5. Shiftability Theory

این نظریه اوایل قرن بیستم میلادی و با وسعت یافتن بازارهای مالی در آمریکا شکل گرفته است و در راستای تکامل نظریه قبلی است، که دارایی بانک را منبع اصلی نقدینگی معرفی نموده و بیانگر آن است که هر دارایی می‌تواند برای تأمین اعتبارات استفاده شود. طبق این نظریه بانک‌ها بایستی مقدار معینی از نقدینگی خود را به صورت اوراق بهادار کوتاه‌مدت و یا سهام شرکت‌های بزرگ، با قابلیت تغییرپذیری و نقدشوندگی فوری نگهداری نمایند، تا در صورت نیاز به نقدینگی، اوراق و سهام مذکور را با کم‌ترین ضرر و زیان به فروش برسانند و دیگر به سررسید وام‌ها وابسته نباشند. در تکمیل این نظریه دیدگاهی وجود دارد که وقتی مقدار نقدینگی مشخص باشد، دلیلی وجود ندارد که بانک فقط اوراق بهادار کوتاه‌مدت را نگهداری نماید. زیرا، قابلیت نقدشوندگی فوری اوراق و سهام مهم‌تر از سررسید آن‌ها است (ودورث، ۱۹۶۷، روزاکیس، ۱۹۹۷، کوچ و اسکات، ۲۰۱۰، جکیوال^۱ و تونارو^۲، ۲۰۱۷).

۲-۱-۳. نظریه درآمد انتظاری (پیش‌بینی شده)^۳

این نظریه در سال ۱۹۴۴ و آغاز دوران تسهیلات اقساطی شکل گرفته است. طبق این نظریه اعطاء تسهیلات بانکی، با توجه به میزان درآمد پیش‌بینی شده توسط بانک و بازپرداخت اصل و سود تسهیلات به صورت اقساطی توسط متقاضیان، به جای پرداخت به صورت یک‌جا صورت می‌گیرد. بدین ترتیب بازگشت وجوه نقد و بازپرداخت تسهیلات به صورت مداوم و قسطی، وجوه تازه‌ای را در اختیار مدیریت بانک، جهت اعطاء تسهیلات جدید و تأمین نیازهای نقدینگی قرار می‌دهد (ودورث، ۱۹۶۷، روزاکیس، ۱۹۹۷، جکیوال و تونارو، ۲۰۱۷).

۲-۱-۴. نظریه مدیریت تعهدات^۴

این نظریه هم‌زمان با توسعه بازارهای پولی و سرمایه‌ای در سال ۱۹۶۰، توسط بانک‌های بزرگ مورد استقبال قرار گرفت. طبق این نظریه دیگر نیازی نیست تمام نقدینگی مورد نیاز در خود بانک نگهداری شود، بلکه هرگاه نیاز به وجه نقد باشد، مدیریت تعهدات می‌تواند نقدینگی مورد نیاز را از بازارهای پولی و سرمایه‌ای از جمله: خرید ذخایر اضافی دیگر بانک‌ها نزد بانک مرکزی، صدور گواهی سپرده کلان، استقراض از بانک مرکزی، صدور اوراق قرضه کوتاه‌مدت، صدور اوراق سرمایه‌ای، افزایش سرمایه عادی بانک و تأمین

1. Jokivuolle

2. Tunaru

3. Anticipated income theory

4. Commitments Management Theory

اعتبار از بازارهای جهانی پول، تأمین نماید (ودورث، ۱۹۶۷، نوانکو^۱، ۱۹۹۱، روزاکیس، ۱۹۹۷).

۲-۱-۵. نظریه مدیریت دارایی و بدهی^۲

تا قبل از دهه ۱۹۶۰ بانکها نیز نقدینگی مورد نیاز خود را از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تأمین می‌نمودند و مدیریت نقدینگی بانک، با توجه به طرف دارایی‌ها صورت می‌پذیرفت. در آغاز دهه ۱۹۶۰ تقاضا برای تسهیلات بانکی با سرعتی بیش از سرعت رشد سپرده‌های اصلی و سپرده‌های غیرحساس به نوسانات نرخ بهره افزایش یافت. از این‌رو، نظریه مدیریت دارایی و بدهی با هدف افزایش توانایی اعطاء تسهیلات بانکی شکل گرفته است (گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصاد نوین، ۱۳۸۷).

بر اساس این نظریه، بانکها برای تأمین نقدینگی مورد نیاز خود، از یک طرف به نگهداری اوراق بهادار و سپرده‌های نزد سایر بانکها و به عبارتی دارایی‌هایی با قابلیت تبدیل سریع به نقدینگی می‌پردازند و از طرف دیگر با ساختاری از پیش برنامه‌ریزی شده در سقف تسهیلات، از بانک‌های طرف معامله، نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین می‌نمایند (گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصاد نوین، ۱۳۸۷، رز و هادگینز^۳، ۲۰۰۶). بنابراین، مدیریت نقدینگی بانک با توجه به هر دو طرف ترانزنامه، یعنی دارایی و بدهی به صورت هم‌زمان صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر هدف اصلی این نظریه، تطبیق نیازهای نقدینگی (مصارف) با منابع وجوه است، که توسط مدیریت بانک انجام می‌گیرد (رز و هادگینز، ۲۰۰۶).

۲-۲. نظریه‌های سودآوری

سود از دو منظر اقتصادی و حسابداری قابل بررسی است. سود اقتصادی از دیدگاه هیکس^۴، عبارت است از حداکثر مبلغی که یک شخص می‌تواند طی دوره زمانی معین مصرف نماید، به نحوی که ثروت وی در پایان دوره، همان ثروت اول دوره باشد (مسیح‌آبادی و دانشور-بنداری، ۱۳۹۳). از سود حسابداری نیز به‌عنوان مبنایی برای ارزیابی و سنجش کارآیی

1. Nwankwo

2. Asset and Debt Management Theory

3. Rose & Hudgins

4. Hicks

مدیریت و تعیین مالیات، ابزاری برای پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقدی آینده و وسیله‌ای برای ارزیابی و قضاوت درباره اعطاء تسهیلات یاد می‌شود (هندریکسن و ون‌بردا^۱، ۲۰۱۱).

با توجه به گسترش نظریه‌های مربوط به سودآوری، کمیت سود در یک دوره معین صرفاً به‌عنوان مبنای ارزش یک بانک یا مؤسسه مالی لحاظ نمی‌شود؛ بلکه، کیفیت آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت سود نیز به‌معنای اطمینان از افزایش زمینه بالقوه رشد سود و تداوم آن در بلندمدت است که می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران برای سپرده‌گذاری و انتخاب یک بانک یا مؤسسه مالی جهت سرمایه‌گذاری باشد (پورزمانی و فانیانی، ۱۳۹۴).

۲-۳. عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها

مطالعات اولیه به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها و عوامل تعیین‌کننده عملکرد بانک‌ها، توسط بورک^۲ در سال ۱۹۸۹ صورت پذیرفته است. طبق آخرین مطالعات تجربی صورت گرفته، سودآوری بانک‌ها به‌عنوان تابعی از مجموعه عوامل داخلی و خارجی تعریف شده است (گونگور^۳، ۲۰۰۷). از این‌رو، عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها را می‌توان به دو دسته عوامل داخلی و خارجی تقسیم‌بندی نمود.

عوامل داخلی: مجموعه فعالیت‌ها و عواملی که تحت کنترل و مدیریت بانک هستند، به‌عبارت دقیق‌تر مدیریت منابع و مصارف بانک عوامل داخلی مؤثر بر سودآوری بانک محسوب می‌شوند. مهم‌ترین عوامل داخلی شامل کیفیت دارایی‌ها و بدهی‌ها، کفایت سرمایه، بهره‌وری هزینه، نقدینگی، منابع انسانی و غیره است (گونگور، ۲۰۰۷؛ آلپر و آنبر^۴، ۲۰۱۱؛ الحربی^۵، ۲۰۱۹).

عوامل خارجی: مجموعه عواملی که خارج از کنترل مدیریت بانک هستند و متأثر از شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشورها و در برخی موارد شرایط اقتصاد جهانی است. مهم‌ترین عوامل خارجی شامل شرایط رکودی و تورمی اقتصاد، رشد اقتصادی، حجم نقدینگی کل، تولید ناخالص ملی^۶، بحران‌های اقتصادی جهانی، تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی و

1. Hendriksen & Van Breda

2. Bourke

3. Gungor

4. Alper & Anbar

5. Al-Harbi

6. Gross National Product

بانکی، استفاده ابزاری و دستوری دولت‌ها از نظام بانکی و غیره است (گونگور، ۲۰۰۷؛ آلپر و آنبر، ۲۰۱۱؛ الحربی، ۲۰۱۹).

بنابراین بررسی و مقایسه وضعیت مدیریت نقدینگی بانکها؛ به‌عنوان شاخصی که با همه عوامل داخلی و خارجی ذکر شده مواجه است (چه اینکه تحت کنترل مدیریت بانک باشند یا نباشند) و همچنین بیانگر کارایی و عملکرد مدیریت بانک در زمینه افزایش دارایی‌ها، کاهش هزینه‌های بانکی و وضعیت سودآوری بانکها می‌باشد، از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. در این مطالعه، شاخص مدیریت نقدینگی و متغیر اندازه بانک (برحسب دارایی) به‌عنوان عوامل داخلی مؤثر و متغیرهای تولید ناخالص ملی، حجم نقدینگی و نرخ ارز به‌عنوان عوامل خارجی مؤثر بر سودآوری بانکها، در نظر گرفته شده است.

۲-۴. رابطه و نقش میان مدیریت نقدینگی و سودآوری بانک

بر اساس مطالعات پیشین، همواره بین مدیریت نقدینگی و سودآوری بانک، رابطه معناداری وجود داشته است و سؤال اساسی بسیاری از پژوهش‌ها این بوده است که مدیریت نقدینگی چگونه می‌تواند سودآوری بانک را تحت تأثیر قرار دهد (گادوین و کمفورت^۱، ۲۰۱۵). طبق نظریه‌های گذشته، نقدینگی بالاتر اغلب برای بانکها پرهزینه بوده و این بدان معناست که نقدینگی بیشتر سودآوری بانک را کاهش می‌دهد. اما طبق تئوری‌های تجاری جدید، نقدینگی بالاتر نیز می‌تواند ریسک نقدینگی بانک را کاهش دهد؛ از این‌رو، هزینه‌ها کمتر شده و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش سودآوری بانک می‌شود (آزبورن و دیگران^۲، ۲۰۱۲).

بنابراین ممکن است با توجه به اینکه بانک بالاتر یا پایین‌تر از سطح بهینه نقدینگی خود قرار داشته باشد، یک رابطه مثبت یا منفی بین نقدینگی و سودآوری وجود داشته باشد (گادوین و کمفورت، ۲۰۱۵). همچنین بسته به اینکه بانکها در شرایط بحرانی یا عادی به سر ببرند، می‌توان با مدیریت بهینه نقدینگی بانک، میزان سودآوری را تحت تأثیر قرار داد. در نتیجه، می‌توان اظهار داشت که رابطه بین نقدینگی و سودآوری در بانکها به-صورت چرخه‌ای می‌باشد (آزبورن و دیگران، ۲۰۱۲).

به‌عبارت دیگر؛ مدیریت بانک همواره باید میزان معینی از وجه نقد را با توجه به وضعیت سپرده‌ها نگهداری نماید. در آن صورت اگر نقدینگی نگهداری شده بیشتر از حد بهینه باشد، سودآوری کاهش می‌یابد و اگر وجه نقد در مسیر سرمایه‌گذاری و با هدف سودآوری

1. Godwin & Comfort

2. Osborne et al

بیشتر قرار بگیرند، ممکن است در ایفای تعهدات خود دچار مشکل و بحران شود (آگبادا و اوزوجی^۱، ۲۰۱۳). زیرا، در مواقعی که بانک از نقدینگی کافی برخوردار نباشد، نمی‌تواند با سرعت و هزینه معقول، منابع لازم را از محل افزایش بدهی یا تبدیل دارایی به وجه نقد تأمین نماید. این امر بر سودآوری بانک اثر می‌گذارد. در شرایط بحرانی، نداشتن نقدینگی کافی حتی منجر به ورشکستگی بانک می‌شود (گودهارت^۲، ۲۰۱۱).

بنابراین مدیریت نقدینگی و سودآوری بانک، همواره با یکدیگر مرتبط هستند؛ به طوری که بانک‌ها با مدیریت بهینه نقدینگی به ایجاد تعادل بین سود خود و هزینه نگهداری وجه نقد، می‌پردازند. تأکید آن است که همواره باید یک موازنه بین سوددهی و نقدینگی بهینه وجود داشته باشد (یوسف^۳ و دیگران، ۲۰۱۹). بدین ترتیب که، مدیریت بانک باید با تجزیه و تحلیل وضعیت بانک، بررسی اهداف و در نتیجه انتخاب یک پورتفولیو^۴ دارایی متوازن، همواره دو هدف متضاد (نگهداری وجه نقد و سرمایه‌گذاری وجوه) را با یک ترکیب پورتفولیو خوب، تطبیق دهد تا به سودآوری مطلوب که یکی از اهداف بانک‌ها است دست یابد (گادوین و کمفورت، ۲۰۱۵).

۳. پیشینه پژوهش

ولی‌جان (۱۳۹۲)، و چاوشی‌راد و دیگران (۱۳۹۳) در بررسی‌های خود نشان داده‌اند که عوامل ویژه بانکی شامل سرمایه بانک، نسبت تسهیلات به کل سپرده‌ها، مالکیت بانک خصوصی، تسهیلات اعطائی، مدیریت نقدینگی و میزان سپرده‌ها، و همچنین متغیرهای کلان اقتصادی شامل تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم، رابطه مثبت و معناداری با سودآوری بانک دارند.

ولی‌پورپاشاه (۱۳۹۳)، بیان می‌کند که دسترسی پیوسته بانک‌ها و مؤسسات مالی به نقدینگی یا توانایی برای افزایش میزان دارایی‌ها و ایفای به موقع تعهدات در زمان سررسید، برای سلامت و بقای آن‌ها مهم تلقی می‌شود. از این‌رو، مدیریت درست نقدینگی تضمین‌کننده یک بانکداری سالم و پایدار بوده و به بانک‌ها کمک می‌نماید تا ضمن ایفای به موقع تعهدات سررسید شده خود، از خطر ورشکستگی و هجوم سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌ها مصون بمانند.

1. Agbada & Osuji

2. Goodhart

3. Yusoff

4. Portfolio

فرامرزی پارسا و صدری (۱۳۹۵)، و مرادی و جوان‌بنیسی (۱۳۹۶) بیان می‌کنند مدیریت نقدینگی (نقدینگی کل جامعه و نقدینگی بانکها) در مقایسه با سایر عوامل مؤثر، همواره رابطه معنادار و قوی با سودآوری نظام بانکی دارد. از این‌رو، مدیریت نقدینگی بخش مهمی از نقش مدیران بانکی را تشکیل می‌دهد.

نجفی‌مقدم (۱۳۹۶)، و کردبچه و راغفر و سرگزی (۱۳۹۶)، نشان دادند مطالبات غیر جاری بانکها شامل سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول، از رابطه منفی و معناداری با سودآوری بانکها برخوردارند.

رضایی و مهری‌نمک‌آورانی (۱۳۹۷) بیان می‌کنند بین مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها با نسبت‌های بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. علی‌نژاد (۱۳۹۸) و سجادیان (۱۳۹۹)، بیان می‌کنند متغیرهای نقدینگی، اندازه بانک، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معناداری بر سودآوری بانکها دارند. آلپر و آنبر، (۲۰۱۱) بیان می‌کنند اندازه پورتنفوی اعتباری و میزان وام‌های وصول نشده، تأثیر منفی و معناداری بر سودآوری بانک دارند. زیرا، انتظار می‌رود وام‌های اعطائی منبع اصلی درآمد بانک و به دنبال آن کسب سود باشند که در صورت تبدیل آنها به مطالبات بانکی این امر محقق نمی‌شود.

ادبایو^۱ و دیگران (۲۰۱۱)، و آگبادا و اوزوجی (۲۰۱۳) در بررسی‌های خود نشان دادند بین مدیریت نقدینگی مؤثر و عملکرد سودآوری بانکها، رابطه معنادار قوی وجود دارد و مدیریت مؤثر نقدینگی کارایی و سودآوری بانکها را افزایش داده و پیامدهای مهمی برای اقتصاد کشورهای در حال توسعه دارد.

ابن‌زر و عمر و کمیل (۲۰۱۷)، و سرور و مصطفی^۲ (۲۰۱۸) بیان می‌کنند از میان عوامل داخلی نقدینگی بانک، کفایت سرمایه، اندازه بانک، کیفیت مدیریت بانک و مدیریت دارایی‌ها و از میان عوامل خارجی تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز تأثیر معنادار قوی بر سودآوری دارند. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که بانکها می‌توانند با افزایش سرمایه و نقدینگی خود و کاهش هزینه عملیاتی، سودآوری خود را بهبود ببخشند.

الحمیدی^۳ و دیگران (۲۰۱۹)، نشان دادند عوامل داخلی شامل اندازه بانک (بر حسب دارایی)، کیفیت دارایی‌ها، نقدینگی، سپرده‌ها، مدیریت دارایی‌ها و اندازه بانک تأثیر مثبت

1. Adebayo

2. Sarwar & Mustafa

3. Al-Homaidi

و معنادار، و همچنین عوامل خارجی شامل تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز، نرخ تورم و نرخ بهره، تأثیر منفی و معنادار، بر روی سودآوری بانک‌های تجاری هند دارند.

آرورا و کوهلی^۱ (۲۰۱۸) در بررسی‌های خود نشان دادند بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی بیشتر در معرض ریسک نقدینگی قرار دارند. علاوه بر آن، بانک‌های خصوصی از مدیریت نقدینگی بهتر، به خصوص در کوتاه‌مدت برخوردار بوده‌اند.

المکتاری^۲ و دیگران (۲۰۱۹)، بیان می‌کنند اندازه بانک، تعداد شعب، نسبت مدیریت دارایی‌ها، نسبت کیفیت دارایی‌ها، نسبت نقدینگی و نرخ ارز، از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده سودآوری بانک‌ها می‌باشند.

آزرای و یوسف^۳ (۲۰۱۹) ضمن بررسی عوامل تعیین کننده عملکرد مالی بانک‌های تجاری منتخب در مالزی، بیان می‌کنند دو متغیر مستقل ریسک نقدینگی و کارایی مدیریت، ارتباط معنادار قوی با سودآوری بانک‌ها دارند.

یوسف و دیگران (۲۰۱۹) بیان می‌کنند اگرچه وجود نقدینگی تضمینی برای سودآوری بانک نیست اما با مدیریت بهینه نقدینگی می‌توان به حداکثر سود دست یافت. همچنین، این مطالعه توصیه می‌کند که بانک‌ها باید تعادل بین نقدینگی و سودآوری بهینه را حفظ نمایند، به طوری که همواره سعی نمایند نقدینگی خود را بدون ایجاد مانع در راه دست‌یابی به حداکثرسازی سود، بهینه نمایند.

کومارجین^۴ و دیگران (۲۰۱۹)، نشان دادند بانک‌های بخش خصوصی عملکرد بهتری نسبت به بانک‌های بخش دولتی در هند داشته و همچنین متغیر کلان اقتصادی تولید ناخالص داخلی تأثیر قابل توجهی بر سودآوری بانک‌های تجاری دارد.

احسان‌الدین^۵ و دیگران (۲۰۲۰)، و بهساری^۶ (۲۰۲۰)، بیان می‌کنند مطالبات غیرجاری، نقدینگی، اندازه بانک (بر حسب دارایی‌ها)، کیفیت دارایی‌ها، سپرده‌ها، مدیریت دارایی‌ها و تعداد شعب، از مهم‌ترین عوامل داخلی تأثیرگذار بر سودآوری بانک‌ها هستند.

رای^۷ و دیگران (۲۰۲۱)، و داس و اوپال^۸ (۲۰۲۱)، بیان می‌کنند نسبت دارایی‌های غیرجاری تأثیر منفی و معناداری بر روی سودآوری بانک‌ها دارد و اگر بانک‌ها بتوانند

1. Arora & Kohli

2. Almaqtari e

3. Azrai & Yusoff

4. Kumar Jain

5. Ahsan ullah

6. Bhusari

7. Rai

8. Das & Uppal

دارایی‌های غیرجاری و هزینه عملیاتی خود را کاهش دهند، سود آن‌ها به شدت رشد خواهد کرد.

آجای و لاوال^۱ (۲۰۲۱)، بیان می‌کنند که بین مدیریت نقدینگی و سودآوری بانک‌های نیجریه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، به طوری که از میان شاخص‌های مدیریت نقدینگی، نسبت وام به سپرده دارای اثر منفی و معنادار، و نسبت‌های وام به دارایی و نقدینگی دارای اثر مثبت و معنادار، بر سودآوری بانک‌ها هستند.

۳-۱. جمع‌بندی پژوهش‌های تجربی و نقد آن‌ها

بررسی پژوهش‌های تجربی در بخش داخلی و خارجی نشان‌دهنده آن است که مطالعات انجام شده اغلب در رابطه با عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌ها بوده و هرکدام بخشی از متغیرهای اثرگذار را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها به طور کلی عوامل اثرگذار بر سودآوری بانک‌ها را به دو بخش عوامل داخلی و خارجی مؤثر تقسیم‌بندی نموده‌اند. در این مطالعات، مدیریت نقدینگی به عنوان یکی از عوامل داخلی اثرگذار، همواره از رابطه قوی و معنادار با سودآوری بانک‌ها برخوردار بوده است. همچنین، نتایج بیانگر تأثیرگذاری قابل توجه نوع مالکیت خصوصی بر روی سودآوری بانک‌ها است.

در مطالعات انجام شده، به منظور بررسی اثر مدیریت نقدینگی، اغلب از یک یا چند جزء نقدینگی که از صورت‌های مالی بانک‌ها به دست آمده و تنها بخشی از نقدینگی کل بانک را در بر می‌گیرد، به عنوان مدیریت نقدینگی استفاده شده است. در صورتی که، بررسی همه جانبه میزان اثرگذاری مدیریت نقدینگی، نیازمند تجزیه و تحلیل همه اجزاء نقدینگی بانک است. همچنین، در این مطالعات استفاده مکرر از دو متغیر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر وابسته سودآوری مشاهده می‌شود، که موجب حصول نتایج مشابه شده است. اما در مطالعه حاضر، برای نخستین بار از داده‌های سود (زیان) خالص بانک‌ها، به عنوان متغیر وابسته سودآوری استفاده شده است. علاوه بر آن، برجسته‌ترین جنبه نوآوری پژوهش حاضر، معرفی و استفاده از شاخص ترکیبی مدیریت نقدینگی (LiM) بوده که معرف میزان مدیریت نقدینگی بانک است که با در نظر گرفتن همه اجزاء نقدینگی^۲ موجود در صورت‌های مالی بانک‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

^۱. Ajay & Lawal

^۲. نقدینگی بانک با توجه به تعریف آن، شامل مجموع دارایی‌ها و بدهی‌های بانکی (سپرده‌های بانکی و وجوه نقد حاصل از استقراض از بانک مرکزی و سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و مطالبات غیرجاری بانک‌ها) است.

همچنین در این مطالعه میزان اثرگذاری نوع مالکیت بر روی سودآوری بانک‌ها نیز با استفاده از شاخص ضریبی مالکیت بانک به منظور مقایسه عملکرد مدیریت نقدینگی در بانک‌های دولتی، نیمه دولتی و خصوصی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. تصریح مدل و داده‌ها

داده‌های پژوهش از کتابخانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سامانه کدال و گزارش شفافیت مالی بانک‌ها استخراج شده است. در این مطالعه، از داده‌های سالانه ۱۶ بانک منتخب، شامل شش بانک دولتی (سپه، کشاورزی، مسکن، صنعت و معدن، پست‌بانک ایران و ملی)، چهار بانک نیمه‌دولتی (ملت، صادرات، تجارت و رفاه‌کارگران) و شش بانک خصوصی (کارآفرین، پارسیان، پاسارگاد، سامان، اقتصادنوین و سینا)، طی دوره زمانی ۱۵ سال (۱۳۸۵-۱۳۹۹) استفاده شده است. انتخاب بانک‌های مورد بررسی بر اساس اندازه بانک، سال‌های فعالیت و استقبال سپرده‌گذاران صورت پذیرفته است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی

اندازه بانک (بر حسب دارایی)	متغیر ضریبی نرخ ارز	متغیر ضریبی حجم نقدینگی	متغیر ضریبی تولید ناخالص ملی	مدیریت نقدینگی	سودآوری	نماد
BS	ERP	M2P	GNPP	LiM	P	
۶۹۱۶۴۰	۵۵۴۱۳۵۷	۲/۸۱E+۱۰	۱/۲۵E+۱۰	۰/۵۵۹	۲۷۴۷/۱	میانگین
۳۷۷۲۹۰	۱۶۴۶۳۳۳	۴/۲۲E+۰۹	۵/۶۱E+۰۹	۰/۵۵۷	۱۱۷۹/۵	میانه
۴۸۳۳۰۰۵	۵۷۶۷۰۲۰۰	۴/۷۷E+۱۱	-۸/۰۵E+۱۰	۰/۷۷۱	۱۴۹۰۰	ماکزیمم
۴۲۹۵	-۲۴۸۲۲۰۰	-۱/۴۶E+۱۱	۳/۰۳E+۱۰	۰/۳۵۹	-۵۹۱۰	مینیمم
۸۲۹۸۷۱/۵	۱۳۰۳۵۴۲۳	۸/۰۳E+۱۰	۲/۰۹E+۱۰	۰/۱۰۶	۴۲۸۸/۷	انحراف معیار
۲/۱۰۰	۱/۸۳۹	۳/۳۴۶۴۳۱	۱/۲۸۶۴۰۱	-۰/۵۸۵	۱/۱۵۶	چولگی
۸/۰۵۳	۷/۸۰۵	۱۶/۸۸۳۳۴	۴/۸۷۶۰۷۲	۲/۶۳۸	۳/۹۹۱	کشیدگی
۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰	تعداد مشاهدات

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به بیشتر بودن تعداد مقاطع (۱۶ بانک) نسبت به دوره زمانی (۱۵ سال) و همچنین معتبر بودن متغیرهای ابزاری و عدم همبستگی جملات اخلاص که توسط آزمون سارگان^۱ و خودهمبستگی مرتبه دوم سنجیده شده است، از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

^۱. Sargan Test

(GMM)، آرلانو-بوند^۱ دو مرحله‌ای، استفاده شده است. تخمین دقیق‌تر، کارایی بیشتر و حذف تورش‌های مجدد نسبت به سایر روش‌ها از مزایای این روش است (بوند، ۲۰۰۲؛ بالتاجی^۲، ۲۰۰۸).

در این پژوهش از دو مدل استفاده شده است. مدل (۱) برای بررسی رابطه مدیریت نقدینگی و سودآوری در بانک‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی در ایران و مدل (۲) برای بررسی رابطه میان نوع مالکیت (خصوصی و غیرخصوصی) و سودآوری، استفاده شده است. مدل‌ها و جدول نوع و علائم اختصاری متغیرهای پژوهش در زیر ارائه شده‌اند.

$$P_{it} = \alpha_0 + \beta_0(P_{i,t-1}) + \beta_1(LiM_{it}) + \beta_2(GNPP_{it}) + \beta_3(M2P_{it}) + \beta_4(ERP_{it}) + \beta_5(BS_{it}) +$$

$$u_{it} \quad (1)$$

$$P_{it} = \alpha_0 + \beta_0(P_{i,t-1}) + \beta_1(DLiM_{it}) + \beta_2(GNPP_{it}) + \beta_3(M2P_{it}) + \beta_4(ERP_{it}) + \beta_5(BS_{it}) +$$

$$u_{it} \quad (2)$$

جدول (۲): نوع و علائم اختصاری متغیرهای پژوهش

عملیاتی	علامت اختصاری	نام متغیر	نوع متغیر	ردیف
P_{it}	P۳	سودآوری	وابسته	۱
LIM_{it}	LiM	مدیریت نقدینگی	مستقل	۲
GNP_{it} $* P_{i,t-1}$	GNPP۴	متغیر ضربی تولید ناخالص ملی	کنترلی	۳
$M2_{it}$ $* P_{i,t-1}$	M2P۵	متغیر ضربی حجم نقدینگی	کنترلی	۴
ER_{it} $* P_{i,t-1}$	ERP۶	متغیر ضربی نرخ ارز	کنترلی	۵
BS_{it}	BS۷	اندازه بانک (بر حسب دارایی)	کنترلی	۶
$D_i * LIM_{it}$	DLIM۸	متغیر ضربی مالکیت بانک	مجازی	۷

منبع: یافته‌های تحقیق

۱. Arellano & Bond

۲. Baltagi

۳. profitability

۴. (Gross National Product)_t * (profitability)_{t-1}

۵. (M2)_t * (profitability)_{t-1}

۶. (Exchange Ratio)_t * (profitability)_{t-1}

۷. Bank Size

۸. (Dummy Variable)_t * (Liquidity Management)_t

متغیر سودآوری (p)

در این مطالعه از سود (زیان) خالص (تفاوت درآمدها و هزینه‌ها پس از کسر مالیات) بانک‌ها طی یک سال، به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق استفاده شده است. در واقع، سود خالص به‌عنوان خالص درآمد حاصل از تسهیلات و سرمایه‌گذاری، نشان‌دهنده نقش و تأثیر مدیریت بانک بر روی هر ریال از نقدینگی می‌باشد.

نحوه محاسبه شاخص ترکیبی مدیریت نقدینگی (LiM)

مدیریت نقدینگی (LiM)، متغیر مستقل پژوهش و یک شاخص ترکیبی است که از ترکیب وزنی متغیرهای: استقراض، تسهیلات دولتی، تسهیلات اعطائی و مطالبات غیردولتی و مطالبات غیرجاری، به‌دست آمده است. نحوه محاسبه هر کدام از متغیرها و جهت تأثیر آنها بر روی متغیر وابسته سودآوری در شاخص ترکیبی مدیریت نقدینگی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): متغیرهای نقدینگی و جهت تأثیر آنها در شاخص ترکیبی

ردیف	متغیر	محاسبه	جهت تأثیر
۱	استقراض	بدهی به بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و بانک مرکزی	منفی
۲	تسهیلات دولتی	تسهیلات اعطائی و مطالبات بخش دولتی	منفی
۳	تسهیلات غیردولتی	تسهیلات اعطائی و مطالبات بخش غیردولتی	مثبت
۴	مطالبات غیرجاری	سررسید گذشته + معوق + مشکوک‌الوصول	منفی

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه امروزه مدیریت نقدینگی بانک، صرفاً مسئولیت بخش خزانه‌داری نیست، بلکه با توجه به دو کمیت دارایی‌ها و بدهی‌های بانک تعریف می‌شود؛ در بررسی رابطه متغیرهای محاسبه شده با مدیریت نقدینگی، می‌توان بیان نمود که متغیرهای اول تا سوم دربرگیرنده وجوه نقد موجود در بانک‌ها است و متغیر چهارم که حاصل عملکرد مدیریت بانک نسبت به وجوه نقد بوده و به‌نوعی دارایی بانک محسوب می‌شود، اگر بیشتر از استاندارد تعیین شده باشد، می‌تواند زمینه‌ساز ورشکستگی و عدم توانایی بانک در انجام تعهدات خود باشد.

همچنین مطالعات تجربی داخلی و خارجی صورت پذیرفته گواه بر این است که، متغیرهای نقدینگی که از داده‌ها و طبقه‌بندی‌های موجود در صورت‌های مالی بانک‌ها به‌دست می‌آیند، ابزاری برای ارزیابی و سنجش مدیریت نقدینگی بانک‌ها محسوب می‌شوند. از این‌رو، با استفاده از چهار متغیر مهم و مؤثر در مدیریت نقدینگی که با توجه به داده‌های

موجود در صورت‌های مالی بانک‌ها قابل محاسبه هستند، شاخص ترکیبی مدیریت نقدینگی ایجاد و مورد سنجش قرار گرفته است. شرح متغیرها به صورت زیر است:

۱- استقراض: با افزایش استقراض بانک از بانک مرکزی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، این متغیر افزایش خواهد یافت که بیانگر مدیریت ناکارآمد منابع و مصارف بانکی است و موجب تزریق پول پر قدرت و افزایش نقدینگی و در نتیجه ایجاد تورم در اقتصاد می‌شود. در نتیجه، هزینه سرمایه‌گذاری بانک و به دنبال آن هزینه کسب سود از هر واحد پول را افزایش می‌دهد. مطالعات تجربی نشان‌دهنده آن است که در دهه اخیر، خالص بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، به‌عنوان یکی از اجزاء پایه پولی، همواره با شیب فزاینده در حال افزایش بوده است. یکی از دلایل اصلی آن، افزایش بدهی دولت به نظام بانکی است که به دلیل فقدان مدیریت صحیح، این بدهی‌ها بازپرداخت نشده‌اند. در نتیجه، افزایش بدهی دولت به نظام بانکی، بانک‌ها را به استقراض از بانک مرکزی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ملزم نموده که نتیجه آن، کاهش قدرت بانک برای افزایش سرمایه، افزایش تورم و کاهش ارزش واقعی پول، کاهش جریان ورودی وجوه نقد به بانک‌ها و کاهش سودآوری بانک است (عبدالشاه و صالحی، ۱۳۹۵).

۲- تسهیلات دولتی: تسهیلات تکلیفی بودجه‌ای که از سوی دولت بر نظام بانکی تحمیل می‌شود، عموماً با سود پایین‌تر نسبت به سایر تسهیلات اعطائی بانک‌ها بوده و به تدریج کارایی بانک‌ها را در بازار رقابتی کاهش می‌دهد. این نوع تسهیلات، از یک طرف موجب افزایش بدهی بخش دولتی به نظام بانکی می‌شود و از طرف دیگر موجب عدم تخصیص بهینه منابع به بخش‌های مولد و فعالیت‌های دارای توجیه اقتصادی خواهد شد. در نتیجه، درجه آزادی عملکرد بانک در اعطاء تسهیلات به فعالیت‌های با بازدهی مناسب را کاهش می‌دهد و حتی در برخی موارد منجر به عدم بازگشت منابع بانک شده و عملکرد بانک را دچار اختلال می‌نماید.

۳- تسهیلات غیردولتی: مطالعات انجام شده بیانگر آن است که، افزایش تسهیلات بانکی در بخش غیردولتی نسبت به بخش دولتی، عموماً در فعالیت‌های با بازدهی بیشتر و کارآتر سرمایه‌گذاری شده و به دنبال آن تولید واقعی را افزایش داده و به‌طور غیرمستقیم موجب افزایش سپرده‌گذاری و سودآوری نظام بانکی می‌شود.

۴- مطالبات غیرجاری: رشد فزاینده مطالبات غیرجاری، از طریق ایجاد فشار بر ترازنامه بانک‌ها، موجب کاهش قدرت تسهیلات‌دهی بانک‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه واسطه‌گری مالی بانک‌ها و در نتیجه کاهش میزان سودآوری آن‌ها می‌شود. زیرا، انتظار

می‌رود وام‌های اعطائی منبع اصلی درآمد بانک و به دنبال آن کسب سود باشند که در صورت تبدیل آن‌ها به مطالبات بانکی این امر محقق نمی‌شود (آلپر و آنبر، ۲۰۱۱؛ سیدشکری و گروسی، ۱۳۹۴؛ ساری^۱، ۲۰۲۱). بنابراین، افزایش مطالبات غیرجاری معرف خروج بخشی از منابع درآمدزای بانک بوده و چرخه سودآوری را مختل نموده و بیانگر مدیریت ناصحیح وجوه نقد بانک است.

متغیرهای نقدینگی مطالعه حاضر، دارای اثر مثبت یا منفی بر روی متغیر وابسته سودآوری هستند. از این رو پس از محاسبه متغیرها، بی‌مقیاس‌سازی آن‌ها صورت پذیرفته است. بدین منظور، از $\frac{x-min}{max-min}$ برای متغیرهایی که اثر مثبت دارند و از $\frac{max-x}{max-min}$ برای متغیرهایی که اثر منفی دارند، استفاده شده است.

علاوه بر آن، بر اساس مطالعات انجام شده، وزن هر یک از متغیرهای فوق در شاخص ترکیبی، متفاوت است. از این رو با استفاده از تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)^۲، بیش‌ترین وزن‌ها برای متغیرهایی در نظر گرفته شده است که واریانس بیشتری نسبت به متغیر وابسته دارند. زیرا بالاترین مقدار ویژه مؤلفه‌ها، واریانس استاندارد بیشتری را در میان سایر اجزاء حفظ نموده و متغیر وابسته را بهتر توضیح می‌دهد (کایزر^۳، ۱۹۶۰؛ کامارا و توستا^۴، ۲۰۱۴؛ ژو و دیگران^۵، ۲۰۱۸). وزن در نظر گرفته شده برای هر متغیر به تفکیک بانک‌ها در جدول (۴)، ارائه شده است.

جدول (۴): وزن متغیرهای نقدینگی در محاسبه شاخص ترکیبی

وزن		متغیر
بانک‌های دولتی و نیمه‌دولتی	بانک‌های خصوصی	
۰/۲۷۹	۰/۳۴۶	استقراض
۰/۱۷۷	-	تسهیلات دولتی ^۶
۰/۲۹۸	۰/۳۱۸	تسهیلات غیردولتی
۰/۲۴۶	۰/۳۳۶	مطالبات غیرجاری
۱	۱	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق

^۱. Sari

^۲. Principal Component Analysis

^۳. Kaiser

^۴. Camara & Tuesta

^۵. Zhou et al

^۶. بانک‌های خصوصی در ایران، فاقد تسهیلات تکلیفی دولتی هستند. از این رو، این مقدار برای بانک‌های خصوصی صفر بوده و وزن و تأثیری بر روی متغیر وابسته سودآوری ندارد.

بنابراین پس از بی‌مقیاس سازی متغیرها و تعیین وزن مشخص برای هر یک، به‌منظور به‌دست آوردن شاخص ترکیبی مدیریت نقدینگی (Lim)، میانگین وزنی آن‌ها محاسبه شده است. کمیت این شاخص عددی بین صفر و یک است که هر چه به عدد صفر نزدیک‌تر باشد بیانگر مدیریت ضعیف نقدینگی بانک و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر مدیریت بهینه نقدینگی می‌باشد. میانگین این شاخص در دوره تحت بررسی به تفکیک بانک‌ها در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): میانگین شاخص ترکیبی به تفکیک بانک‌ها

شاخص	بانک دولتی	شاخص	بانک نیمه‌دولتی	شاخص	بانک خصوصی
سپه	۰,۵۴۵	صادرات	۰,۵۶۳	کارآفرین	۰,۵۵۷
کشاورزی	۰,۵۷۹	ملت	۰,۶۱۱	پارسیان	۰,۶۰۲
مسکن	۰,۵۵۱	تجارت	۰,۵۶۸	پاسارگاد	۰,۶۱۲
صنعت و معدن	۰,۵۸۴	رفاه	۰,۵۴۲	سامان	۰,۵۶۰
پست بانک	۰,۵۶۹			اقتصاد نوین	۰,۵۸۰
ملی	۰,۵۵۶			سینا	۰,۵۸۵
میانگین	۰,۵۶۴		۰,۵۷۱		۰,۵۸۳

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج مطالعات گذشته بیانگر آن است که متغیرهای تولید ناخالص ملی، حجم نقدینگی، نرخ ارز و اندازه بانک (بر حسب دارایی)، از جمله مهم‌ترین متغیرهایی هستند که تأثیر معناداری بر سودآوری بانک‌ها دارند. از این‌رو، متغیرهای فوق به‌عنوان متغیرهای کنترلی پژوهش در نظر گرفته شده‌اند که باتوجه به یکسان بودن شاخص‌های کلان اقتصادی برای همه بانک‌ها، همه آن‌ها (بجز اندازه بانک)، در وقفه یک دوره قبل متغیر وابسته سودآوری بانک‌ها ضرب شده و وارد مدل شده‌اند. همچنین، به‌منظور برآورد اثر تعاملی نوع مالکیت بانک و مدیریت نقدینگی بر سودآوری، از حاصل ضرب متغیر مجازی مالکیت بانک (برای بانک‌های خصوصی و نیمه دولتی، یک و برای بانک‌های دولتی، صفر) در شاخص ترکیبی مدیریت نقدینگی، استفاده شده است.

۳-۱. آزمون ایستایی متغیرها و انتخاب نوع مدل

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۶)، همه متغیرهای مدل، بجز GNPP، در سطح مانا نبودند. لذا کلیه متغیرها را با یکبار یا دو بار تفاضل گیری مانا کرده و وارد مدل کردیم. مطابق نتایج جدول ۷، نتیجه آزمون F لیمر داده‌های پانل برای مدل تأیید می‌شود.

جدول (۶): نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو

متغیر	P	LiM	GNPP	M2P	ERP	BS
Statistic	-۵/۸۵	-۶/۳۴	-۲/۷۷	-۴/۹۲	-۵/۴۲	-۳/۰۴
(Prob)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)
نتیجه	I(2)	I(1)	I(0)	I(2)	I(1)	I(2)

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۷): نتایج آزمون F لیمر (چاو)

فرضیه صفر	آماره F	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
برابری عرض از مبدأها	۲/۱۷	۱۵،۲۱۹	۰/۰۰	فرضیه صفر رد می‌شود و داده‌ها پانل می‌باشد.

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۸)، مقدار احتمال آزمون سارگان بالای پنج درصد است، بنابراین برون‌زایی متغیرهای ابزاری تأیید شده است. همچنین با توجه به نتایج آزمون خودهمبستگی آرانو و بوند، همبستگی بین جملات اخلاص از مرتبه اول است. بنابراین تخمین زنده‌های مربوطه دارای خاصیت سازگاری هستند و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) روش مناسبی برای برآورد مدل تجربی تحقیق می‌باشد (آرانو و بوند، ۱۹۹۱: ۲۸۹؛ گرین^۱، ۲۰۱۲).

جدول (۸): نتایج آزمون‌های آماری (سارگان، خودهمبستگی آرانو و بوند)

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	احتمال
سارگان	χ^2	۱۳،۰۹	۱،۰۰
AR (1)	Z	-۲/۱۴	۰/۰۳
AR (2)	Z	۰/۰۳	۰/۹۷

منبع: یافته‌های تحقیق

^۱. Greene

۴-۲. برآورد مدل

نتایج برآورد مدل (۱) در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول (۹): نتایج برآورد مدل به روش گشتاورهای تعمیم یافته، آرانو-بوند دو مرحله‌ای

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح معناداری	وضعیت معناداری
وقفه سودآوری	P(-1)	-۰/۴۷۶	-۴/۹۰	۰/۰۰۰۰	معنادار
مدیریت نقدینگی	LIM	۷۷۶۸/۰۴۱	۲/۹۴	۰/۰۰۳۷	معنادار
تولید ناخالص ملی	GNP P	۰/۰۰۰۰۰۰۰۳۹۶	-۳/۲۸	۰/۰۰۱۲	معنادار
حجم نقدینگی	M2P	۰/۰۰۰۰۰۰۰۱۹۰	۲/۴۲	۰/۰۱۶۴	معنادار
نرخ ارز	ERP	-۰/۰۰۰۰۲۱	-۴/۲۱	۰/۰۰۰۰	معنادار
اندازه بانک (بر حسب دارایی)	BS	۰/۰۰۱۷۲	۱/۴	۰/۱۶۳۴	غیر معنادار

J-Statistic = 7/89

Observations = 192

Instrument Rank = 7

Wald-Test = 0/0000

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۹)، همه ضرایب برآورد شده بجز اندازه بانک، و نیز مدل رگرسیونی، معنادار هستند. همچنین، ضریب شاخص مدیریت نقدینگی که نشان‌دهنده نقش مدیریت نقدینگی بر سودآوری بانکها است، با مقدار بسیار بالای ۷۷۶۸/۴۱، مثبت و معنادار بوده و نسبت به سایر عوامل، بیشترین تأثیر را بر سودآوری بانکها دارد. از این رو، با مدیریت اجزاء مهم صورت‌های مالی یعنی کاهش عوامل منفی اثرگذار بر سودآوری بانک (خودداری از استقراض از بانک مرکزی و سایر بانکها و مؤسسات مالی و اتخاذ اقدامهای لازم جهت بازگرداندن و کاهش مطالبات غیرجاری) و همچنین، افزایش عوامل مثبت اثرگذار بر سودآوری بانک (مانند افزایش سهم تسهیلات غیردولتی)، می‌توان به مدیریت بهینه نقدینگی با بیشترین میزان اثرگذاری بر سودآوری بانک، دست یافت. بنابراین، با توجه به مبانی نظری تحقیق و نتایج به‌دست آمده، چگونگی رابطه بین مدیریت نقدینگی و سودآوری بانکها تبیین شده که، مدیریت بهینه نقدینگی بانکها موجب افزایش سودآوری آنها و رونق تولید در اقتصاد کشور خواهد شد.

این نتیجه با نتایج پژوهش‌های محققان (آزبورن و دیگران، ۲۰۱۲؛ گادوین و کمفورت، ۲۰۱۵؛ فرامرزی پارسا و صدری، ۱۳۹۵؛ الحمیدی و دیگران، ۲۰۱۹؛ علی‌نژاد، ۱۳۹۸؛ سجادیان، ۱۳۹۹؛ یوسف و دیگران، ۲۰۱۹؛ آجالی و لوال، ۲۰۲۱)، که بر روی رابطه مستقیم و تأثیرگذار مدیریت نقدینگی و سودآوری بانکها تأکید داشته‌اند و مدیریت بهینه

نقدینگی بانک را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان سودآوری بانک دانسته‌اند، هم-خوانی دارد.

تولید ناخالص ملی و نرخ ارز، (که اثر آن‌ها از کانال سود سال قبل بر سود سال جاری بانک‌ها بررسی شده است)، اثر منفی و معناداری بر سودآوری بانک‌ها دارند.

نوسان‌های نرخ ارز با تأثیرگذاری بر رفتار و عملکرد سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان، انواع ریسک بانکی را افزایش داده و عملکرد نظام بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین تأثیر منفی بر پرتفوی سپرده کوتاه‌مدت بانکی دارد. از این‌رو، افزایش نرخ ارز یکی از عوامل تأثیرگذار بر انگیزه صاحبان وجوه نقد برای خارج کردن سپرده‌های خود از بانک‌ها و سرمایه‌گذاری در بازار ارز بوده و موجب افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم شده و توانایی آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری در بانک‌ها کاهش می‌دهد. بنابراین مهم‌ترین وظیفه نظام بانکی یعنی دریافت سپرده‌ها و ارائه تسهیلات را با اختلال روبه‌رو نموده و موجب کاهش سپرده‌گذاری و در نتیجه کاهش نقدینگی بانک‌ها می‌شود و بالطبع بانک‌ها تا حدودی توانایی سرمایه‌گذاری و تسهیلات‌دهی خود را از دست می‌دهند و با کاهش سودآوری روبه‌رو می‌شوند.

در ادامه براساس مدل (۲)، اثر نوع مالکیت بانک بر سودآوری در بانک‌های خصوصی و غیرخصوصی برآورد و نتایج در جدول (۱۰) ارائه شده است.

جدول (۱۰): نتایج برآورد مدل به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، آرلانو-بوند دو مرحله‌ای

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح معناداری	وضعیت معناداری
وقفه سودآوری	P(-1)	-۰/۴۸۴۷	۴/۹۶	۰/۰۰۰۱	معنادار
تعاملی نوع مالکیت و مدیریت نقدینگی	DLI M	۷۰۶۴/۲۴۶	۲/۱۶	۰/۰۳۲۱	معنادار
تولید ناخالص ملی	GNP P	۰/۰۰۰۰۰۰۰۳۶۲	۳/۱۴	۰/۰۰۲۰	معنادار
حجم نقدینگی	M2P	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۲	۲/۴۵	۰/۰۱۵۰	معنادار
نرخ ارز	ERP	-۰/۰۰۰۰۲۱	۴/۱۷	۰/۰۰۰۰	معنادار
اندازه بانک (بر حسب دارایی)	BS	۰/۰۰۱۳۴۸	۱/۱۰	۰/۲۷۱۲	معنادار

J-Statistic = 5/60
Observations = 192

Instrument Rank = 7
Wald-Test = 0/0000

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول (۱۰)، همه ضرایب برآورد شده، بجز اندازه بانک، معنادار بوده و معنی‌داری کل رگرسیون نیز برقرار است. ضریب متغیر مجازی مالکیت خصوصی و نیمه-دولتی بانک، که اثر آن از کانال مدیریت نقدینگی همان سال بر روی سودآوری بانکها، بررسی شده است، مثبت و معنادار است. مقدار بسیار بالای این ضریب یعنی عدد ۷۰۶۴/۲۴۶ نشان‌دهنده آن است که اگر مالکیت بانکها از نوع خصوصی یا نیمه‌دولتی باشد، مدیریت نقدینگی بانکها بهتر و بهینه‌تر است و بیش‌ترین میزان تأثیرگذاری را بر روی سودآوری بانکها دارد.

بانک‌های خصوصی به‌دلیل دارا بودن تنوع گسترده در ارائه خدمات بانکی و بهره‌مندی بیشتر از تکنولوژی‌های جدید و متنوع در زمینه بانکداری الکترونیک، و همچنین فقدان تسهیلات تکلیفی از سوی دولت، از توانایی و آزادی بیشتری برای جذب سپرده‌ها و هدایت منابع نقد خود در راستای اعطاء تسهیلات و سرمایه‌گذاری برای رسیدن به حداکثر سودآوری برخوردار هستند. بانک‌های نیمه‌دولتی نیز با وجود اینکه زمان زیادی از نیمه-دولتی شدن آنها سپری نشده و هنوز هم ملزم به ارائه تسهیلات تکلیفی هستند، اما با بهره‌مندی از ویژگی‌های بانک‌های خصوصی از وضعیت بهتری نسبت به بانک‌های دولتی از جهت مدیریت نقدینگی و سودآوری برخوردار هستند. از این‌رو، باتوجه به نتایج برآورد جدول (۱۰)، بانک‌های خصوصی و نیمه‌دولتی از کانال مدیریت نقدینگی، دارای رابطه مثبت و معناداری با سودآوری هستند.

این نتیجه با یافته‌های محققان (ولی‌جان، ۱۳۹۲؛ آرورا و کوهلی، ۲۰۱۸؛ آزرای و یوسف، ۲۰۱۹؛ کومارجین و دیگران، ۲۰۱۹) که تأثیر مالکیت خصوصی بانک را به‌دلیل مدیریت بهتر نقدینگی بر روی سودآوری بانک قابل توجه دانسته‌اند، هم‌خوانی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش و تأثیرگذاری مدیریت نقدینگی بر روی سودآوری در بانک‌های خصوصی و غیرخصوصی در ایران است. بدین منظور، ابتدا یک شاخص ترکیبی به‌نام مدیریت نقدینگی (LiM) که حاصل میانگین وزنی چهار عامل مهم و مؤثر در مدیریت نقدینگی بانک بوده و بیانگر میزان مدیریت باشد، طراحی شده است. همچنین، با توجه به اینکه سودآوری بانک متأثر از مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی است، اثر سایر عوامل مؤثر بر سودآوری بانک از جمله: (تولید ناخالص ملی، حجم نقدینگی کل، نرخ ارز و اندازه بانک (بر حسب دارایی)) در این پژوهش بررسی شده است. سپس، به‌منظور بررسی اثر نوع مالکیت بر سودآوری بانک، از یک متغیر ضریبی مجازی به‌نام (DLiM)

استفاده شده است. در نهایت، با استفاده از داده‌های سالانه به‌دست آمده از صورت‌های مالی تعداد ۱۶ بانک منتخب طی دوره زمانی ۱۵ سال (۱۳۸۵-۱۳۹۹)، پارامترهای ساختاری مدل‌های پژوهش با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، مدل آرلانو-بوند دو مرحله‌ای برآورد شده‌اند.

بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده، مدیریت نقدینگی مهم‌ترین عامل از میان عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر سودآوری بانک‌ها است و پس از آن به‌ترتیب حجم نقدینگی و تولید ناخالص ملی، از تأثیرگذاری قابل توجهی بر میزان سودآوری بانک‌ها برخوردارند. لذا با مدیریت اجزاء مهم صورت‌های مالی یعنی کاهش عوامل منفی اثرگذار بر سودآوری، مانند: ۱- خودداری استقراض از بانک مرکزی و سایر بانک‌ها و مؤسسات مالی به‌جز در موارد ضروری یا دارای توجیه بالای اقتصادی، ۲- اتخاذ سیاست‌های لازم جهت کنترل و کاهش میزان مطالبات غیرجاری، ۳- افزایش تسهیلات اعطائی به بخش‌های مولد اقتصادی نظیر بخش خصوصی و ۴- اتخاذ سیاست‌های لازم در راستای تقویت انگیزه سپرده‌گذاران برای حفظ و نگهداری سپرده در بانک و کاهش انگیزه سوداگری؛ می‌توان به مدیریت بهینه نقدینگی با بیش‌ترین تأثیرگذاری بر میزان سودآوری، دست یافت. همچنین نتایج بیانگر آن است که افزایش شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تولید ناخالص ملی و حجم نقدینگی، به دلیل نقشی که در افزایش میزان درآمد و به دنبال آن افزایش سپرده‌گذاری و تقاضا برای تسهیلات بانکی دارند، موجب تقویت قدرت تسهیلات‌دهی و سودآوری بانک می‌شوند. در نهایت نتایج نشان می‌دهند اگر مالکیت بانک از نوع خصوصی و یا نیمه‌دولتی باشد، تأثیرگذاری مدیریت نقدینگی بر سودآوری بیشتر از زمانی است که مدیریت بانک از نوع دولتی باشد.

فهرست منابع:

- پورزمانی، زهرا و فانیانی، محسن (۱۳۹۴)، مقایسه تأثیر معیارهای کیفیت سود بر بازده مازاد، نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۹(۳۱): ۳۶.
- چاوشی‌راد، رسول، دهقان‌نیستانی، مهدی و اسماعیل‌زاده، علی (۱۳۹۳)، عوامل داخلی مؤثر بر سودآوری شعب در بانک مطالعه موردی: شعب بانک پارسیان استان تهران، کنفرانس ملی رویکردهای نوین در مدیریت کسب و کار.
- رضایی، فرزین و مهری‌نمک‌آورانی، امید (۱۳۹۷)، رابطه مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها با عملکرد مالی و گزارشگری کیفیت گزارشگری مالی در بانک‌ها، جلد دوم، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۲(۸): ۱۷۷-۱۹۲.
- سجادیان، محمدحسین (۱۳۹۹)، عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های منتخب با تأکید بر بانکداری سایه‌ای و رقابت‌پذیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- سیدشکری، خشایار و گروسی، سمیه (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر افزایش مطالبه‌های غیرجاری در نظام بانکی کشور، اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۹(۳۱): ۹۵-۱۱۸.
- عبدالشاه، فاطمه و صالحی، محسن (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه در صنعت بانکداری با رویکرد تاب‌آوری. فصلنامه روند، ۲۳(۷۶): ۱۵-۵۰.
- عسکرزاده، غلامرضا (۱۳۸۵)، مدل‌سازی ریاضی تعیین ترکیب بهینه پرتفوی تسهیلات اعطایی در مؤسسات مالی و اعتباری، فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ۲۳: ۱۰۸-۱۳۰.
- علی‌نژاد، امیرحسین (۱۳۹۸)، بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی غیردولتی راه دانش.
- فرامرزی‌پارسا، هادی و صدری، پروین (۱۳۹۵)، رابطه مدیریت نقدینگی با سودآوری بانک‌های تجاری (مورد مطالعه بانک پاسارگاد)، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کردبچه، حمید، راغفر، حسین و سرگزی، نسرين (۱۳۹۶)، اثر مطالبات غیرجاری بر عملکرد مالی بانک‌ها در نظام بانکی ایران، نشریه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۵(۱)، ۱۰۱-۱۲۴.
- گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصاد نوین (۱۳۸۷)، مدیریت دارایی-بدهی و ریسک نقدینگی در مؤسسات مالی. تهران: انتشارات فراسخن.
- مرادی، مهدی، و جوان‌بنیسی، سید (۱۳۹۶)، اثر متغیرهای نقدینگی و تورم بر سودآوری بانک‌های تجاری ایران، دومین همایش ملی اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال با رویکرد حمایت از کسب و کار ایرانی.
- مسیح‌آبادی، ابوالقاسم و دانشوربنداری، رضا (۱۳۹۳)، مروری بر مفهوم کیفیت سود با تأکید بر تحلیل بنیادی. ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، ۸: ۶۵-۷۸.

مهربان پور، محمدرضا، نادری‌نورعینی، محمدمهدی، اینالو، عفت، و اشعری، الهام (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر در سودآوری بانک‌ها، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۴): ۱۴۰-۱۱۹.

نجفی‌مقدم، علی (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر مطالبات سررسید گذشته بر سودآوری بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶(۲): ۱۰۳-۱۱۰.

ولی‌پورپاشاه، محمد (۱۳۹۳)، مدیریت ریسک نقدینگی در بانک‌ها؛ یک چارچوب مفهومی، فصلنامه روند، ۲۱(۶۵۶۶): ۲۰۱-۲۲۲.

ولی‌جان، آنومه (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر عوامل ویژه بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی بر سودآوری بانک‌های دولتی و خصوصی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Adebayo, B., de Jong, F., Nicodano, G. & Ibolya, S. (2011), Privatization and stock market liquidity, *Journal of Banking & Finance*, Social Science Electronic Publishing.

Agbada, A. O. & Osuji, C. C. (2013), The efficacy of liquidity management and banking performance in Nigeria, *International review of management and business research*, 2(1): 223-233.

Ajayi, J. A. & Lawal, Q. A. (2021), Effect of Liquidity Management on Banks Profitability, *Izvestiya, Varna University of Economics*, 2: 220-237.

Al-Harbi, A. (2019), The determinants of conventional banks profitability in developing and underdeveloped OIC countries, *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*.

Almaqtari, F. A., Al-Homaidi, E. A., Tabash, M. I. & Farhan, N. H. (2019), The determinants of profitability of Indian commercial banks: A panel data approach, *International Journal of Finance & Economics*, 24(1): 168-185.

Anbar, A. & Alper, D. (2011), Bank specific and macroeconomic determinants of commercial bank profitability: Empirical evidence from Turkey, *Business and economics research journal*, 2(2): 139-152.

Arellano, M. & Bond, S. (1991), Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations, *Review of Economic Studies*, 58: 277-297.

Arora, A. & Kohli, H. K. (2018), Liquidity Risk and Asset-Liability Management: A Comparative Study of Public and Private Sector Banks, *IUP Journal of Applied Finance*, 24(4): 18-33.

Azrai, Z. I., Yusoff, M. & Mastura, S. (2019), Determinants of financial performance in Malaysia: evidence from commercial banks.

Baltagi B. H. (2008), *Econometric analysis of panel data*, Chichester: John Wiley & Sons Ltd.

- Bond S. (2002), Dynamic panel models: a guide to micro data methods and practice, Institute for Fiscal Studies, Department of Economics, Portuguese Economic Journal August, 1(2).141–162
- Cámara, N. & Tuesta, D. (2014), Measuring financial inclusion: A multidimensional index, BBVA Research Paper, (14/26).
- Das, S. K. & Uppal, K. (2021), NPAs and profitability in Indian banks: an empirical analysis, Future Business Journal, 7(1): 1-9.
- Ebenezer, O. O., Omar, W. A. W. B. & Kamil, S. (2017), Bank specific and macroeconomic determinants of commercial bank profitability: Empirical evidence from Nigeria, International Journal of Finance & Banking Studies, 6(1): 25.
- Fabozzi, F. J., Modigliani, F. & Ferri, M. G. (2002), Foundations of financial markets and institutions: Upper Saddle River, N.J.: Prentice.
- Godwin. E. B., & Comfort. E. M. (2015), Bank profitability and liquidity management: A case study of selected Nigerian deposit money banks, International Journal of Economics, Commerce and Management, 3(4): 1-24.
- Goodhart, C. (2011), The Basel Committee on Banking Supervision: A history of the early years, 1974–1997, Cambridge University Press.
- Greene, W. H. (2012), Econometric analysis, 71e, Stern School of Business, New York University.
- Güngör, B. (2007), Türkiye’de faaliyet gösteren yerel ve yabancı bankaların kârlılık seviyelerini Etkileyen faktörler: Panel veri analizi, İktisat İşletme ve Finans, 22(258): 40-63.
- Hendriksen, E. S. & van Breda, M. F. (2011), Accounting theory, 5th. Pennsylvania state university.
- Jain, R., Metri, B. & Rao, K. P. V. (2019), Determinants of Profitability of Indian Commercial Banks, Indian Journal of Finance, 1(13): 8-19.

- Jokivuolle, E. & Tunaru, R. (Eds.). (2017), *Preparing for the Next Financial Crisis: Policies, Tools and Models*, Cambridge University Press.
- Kaiser, H.F. (1960), The application of electronic computers to factor analysis, *Educational and Psychological Measurement*, 20: 141-151.
- Koch, T. W, & Scott, S. M. (2010), *Bank Management*, USA, Mason: Thamson.
- Matz, L. M. (2002), *Liquidity risk management*. USA: Sheshunoff Information Services Inc.
- Nwankwo, G. O. (1991). *Bank management: Principles and practice*. Lagos: Malthouse press ltd.
- Osborn, M., Fuertes, A. & Milne, A. (2012), *Capital and Profitability in Banking: Evidence from US Banks*: Business journal.
- Pol, A. D. & Bhusare, S. P. (2020), The Determinants Of Bank Profitability: Empirical Evidence From Indian Commercial Banks, *Studies in Indian Place Names*, 40(26): 81-96.
- Rai, S., Chabot, M., Bertrand, J. L. & Shaikh, I. (2021), Indian banking industry: a new evidence from a profitability perspective, *Business: Theory and Practice*, 22(2): 349-360.
- Reed, E. & Gill, E. (1989), *Commercial Banking*. 4th Edition, Prentice Hall, New Jersey, USA.
- Rose, P. & Hudgins, S. (2006), *Bank management and financial services*, The McGraw– Hill.
- Roussakis, E. N. (1997), *Commercial banking in an era of deregulation*, 3th edition, Greenwood Publishing Group.
- Sari, S. P. (2021), Impact of Credit Risk, Distribution of Interest Rate, and Liquidity on Bank Profitability. *Li Falah: Jurnal Studi Ekonomi dan Bisnis Islam*, 6(2): 97-107.
- Sarwar, B., Mustafa, G., Abid, A. & Ahmad, M. (2018), Internal and external determinants of profitability: A case of commercial banks of Pakistan, *Paradigms*, 12(1): 38-43.
- Ullah, A., Nath, S. D. & Biswas, M. R. (2020), Impact of bank-specific internal factors on the profitability of state-owned commercial banks in Bangladesh, *Indian Journal of Commerce and Management Studies*, 11(2): 24-32.

Woodworth, G. W. (1967), Bank Liquidity Management: Theories and Techniques, Bankers Magazine, 150: 66-78.

Zhou, J. L., Xu, Q. Q. & Zhang, X. Y. (2018), Water resources and sustainability assessment based on group AHP-PCA method: a case study in the Jinsha River Basin. Water, 10(12): 1880.